



در آغ نازاری در انتهای راه پوده ها کنار رفتند، چیزهایی که نباید آشکاری شدند پیدا شدند. اگر تصمیم گیرنده بود، خود را در برابر تاریکی حقیقت قرار نمی داد و در درسی روشن دروغ نقش می کرد.

فصلنامه شمعدانی

شماره ۴ - بهار ۱۴۰۴



چرا درست؟! چرا غلط?!!

نیت اصلی بریتانیایی ها از ورود به هند و گسترش نفوذ خود در این شبه قاره، عمدتاً اقتصادی بود، اما به تدریج به اهداف سیاسی و استعماری نیز تبدیل شد. تاریخ به ما درس می دهد کسانی که از آن درس نگیرند محکوم به تکرار تاریخ اند.



مگر اسلام فقط فقه است مگر جهاد ندارد؟ مگر روحیه ظلم ستیزی ندارد؟ مگر سراسر تشویق مردم به گرفتن حق مظلوم از ظالم نیست؟ مگر قیام های عاشورایی که ایستادن در برابر حکام ظالم و جابر است ندارد؟ مگر همه اینها در حوزه حق طلبی نیست؟ اصلاً قبل از حق طلبی چه موضوعی مطرح می شود؟ در جامعه چه چیزی تحت الشعاع قرار می گیرد که باعث می شود اگر فرد روحیه حق طلبی داشته باشد فضیلت باشد؟ آیا غیر از این است که هر کس تکلیف خود را بداند و عمل کند به طریق اولی حقوق دیگری را رعایت می کند؟

قمه زنی علاوه بر آسیب های جسمی و روانی که برای فرد به همراه دارد، به چهره اسلام و جامعه مسلمانان نیز آسیب می زند. این عمل با آموزه های دینی که بر حفظ سلامتی و جان انسان ها تأکید دارند، در تضاد است و ممکن است باعث سوء تفاهم درباره اسلام شود. به جای قمه زنی، روش های سالم تر و معنوی تری برای عزاداری امام حسین (ع) وجود دارد، مانند سینه زنی ملایم، نوحه خوانی، مداحی و کمک به نیازمندان، که هم مورد تأیید مراجع دینی هستند و هم به سلامت افراد و جامعه آسیب نمی زنند.



در کنار ناآگاهی ها، منافع شخصی و مطالعات کم می بایستی اهداف سیاسی را هم گنجانند مثلاً در اوایل قرن بیستم ترویج اصلاح نژادی به عنوان یک نظریه علمی ارائه شد که حاصل آن عقیم سازی شمار زیادی از بی خانمانان آمریکایی که اکثراً از گروه مهاجران بودند شد. اما چطور باید در میان این همه اطلاعات راه درست را از غلط تشخیص داد در واقع بهترین راه برای مقابله با این غول بزرگ رسانه افزایش آگاهی مان یا در واقع فزایش سواد رسانه ای مان است.

سالها اروپا به اسم مذهب درگیر جنگ هایی میان کاتولیک ها و پروتستان ها بود. جنگ هایی که با بیش از ۸ میلیون تلفات یکی از طولانی ترین و وحشیانه ترین جنگ ها در تاریخ بشر به حساب می آیند. جنگ هایی که یک عروسی را به سالخ خانه تبدیل کرد و سنگ فرش و دیوارهای خیابان ها را به رنگ خون درآورد و آنچه که به مشام میرسید تنها و تنهابوی خون بود.



فهرست

- ۱ تاریخچه استعمار هند
- ۳ از امامت تا ولایت
- ۶ سنتی خطرناک
- ۸ بازی تاج و تخت
- ۱۰ درست یا غلط مسئله این است!

بسم الله الرحمن الرحيم

نشریه شمعدانی-بهار ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: امیرعلی اشکانی فر

مدیر مسئول: فاطمه حسینعلی ارهانی

سردبیر: فاطمه حیدری

ویراستاران: مهدیه محمدی

صفحه آرا: فاطمه حسینعلی ارهانی

هیئت تحریر: محیا عرفانیان، فاطمه فهیمی، فاطمه

حیدری، مهدیه محمدی و محمد محمدی

فاطمه حسینعلی ارهانی

به نام خداوند حقیقت جو

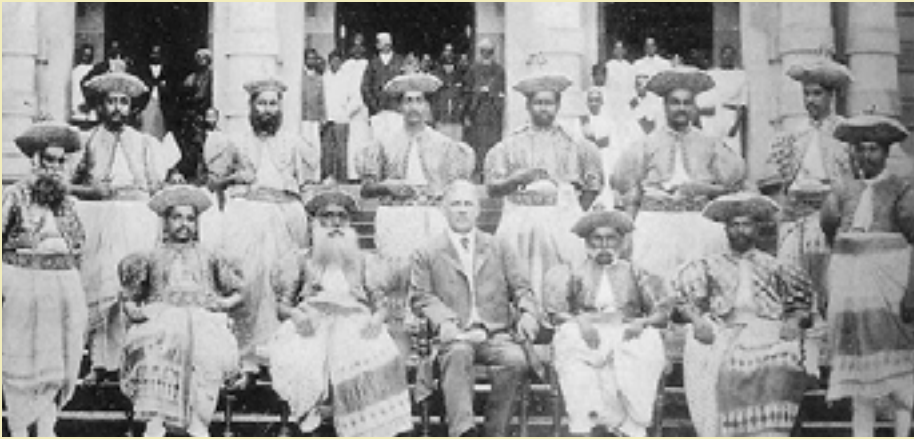
در دنیای امروز، ما با انبوهی از اطلاعات و رویدادها مواجه هستیم که هر کدام به نوبه خود داستانی را روایت می کنند. اما آیا تا به حال به این فکر کرده اید که چه میزان از آنچه می بینیم، واقعیت دارد و چه چیزهایی تنها پرده ای از نیت های پنهان هستند؟ حقیقت ها و نیت های نهفته در پس هر ماجرا، اغلب از دید ما پنهان می مانند و این امر باعث می شود که برداشت های نادرستی از واقعیت ها داشته باشیم.

هر رویدادی که در جامعه اتفاق می افتد، لایه های مختلفی از معنا و انگیزه را در خود نهفته دارد. گاهی اوقات آنچه که به وضوح در رسانه ها یا در محافل عمومی مطرح می شود، تنها سطحی از داستان است و برای درک عمیق تر، نیاز به کاوش و بررسی بیشتری داریم. نیت های پشت هر ماجرا، می تواند شامل منافع شخصی، اجتماعی یا حتی سیاسی باشد که به راحتی قابل شناسایی نیستند. تشخیص حقیقت نیازمند دقت نظر، تفکر انتقادی و توانایی تحلیل عمیق است.

بنابراین، تصمیم گرفتیم در این نشریه، با دقت بیشتری به تحلیل و بررسی این حقیقت ها و نیت ها پردازیم. بیا بید سعی کنیم تا با کاوش در لایه های پنهان هر داستان، به درک بهتر واقعیت های پیچیده دست یابیم. هدف از این کار ارتقای آگاهی عمومی و عبور از دنیای معانی نامفهوم است.

تاریخچه استعمار هند

محمد محمدی
دانشجوی ترم ۶ علوم آزمایشگاهی



استعمار هند توسط بریتانیا فرآیندی طولانی و پیچیده بود که از اوایل قرن ۱۷ میلادی آغاز شد و تا اواسط قرن ۲۰ ادامه در این بخش می‌خواهیم به تاریخچه، روشها، دلایل و به پشت پرده ی استعمار هند پردازیم:

• دوره اکتشاف و آغاز حضور بریتانیا (قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی)

در قرن ۱۶ میلادی، اروپایی‌ها به دنبال راه‌های جدید تجاری به هند بودند تا از سلطه امپراتوری عثمانی بر راه‌های تجاری زمینی بکاهند. واسکو دا گاما، دریانورد پرتغالی، در سال ۱۴۹۸ به هند رسید و راه دریایی به این کشور را گشود. پرتغالی‌ها اولین قدرت اروپایی بودند که در هند

پایگاه‌های تجاری ایجاد کردند، اما به تدریج رقابت با دیگر قدرت‌های اروپایی مانند هلند، فرانسه و بریتانیا شدت گرفت. با شدت گرفتن این رقابت در استعمار و غارت هند بریتانیا با روش‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی سلطه ی خود را در هند گسترش داد و از رقبای خود پیشی گرفت و هند را به استعمار خود درآورد:



اهداف اقتصادی

در ابتدا با هدف تجارت و غارت منابع این کشور دست دوستی را به سمت هند دراز کرد و پس از آن به استخراج و غارت منابع هند پرداخت:

تجارت سودآور: هند به عنوان یکی از ثروتمندترین مناطق جهان در آن زمان، منابع طبیعی فراوان، صنایع پیشرفته (مانند تولید پارچه‌های نفیس)، و ادویه‌جات ارزشمند داشت. بریتانیا به دنبال کنترل این تجارت پررونق بود تا سود کلانی به دست آورد.

استخراج ثروت: بریتانیا به تدریج شروع به استخراج ثروت هند کرد. این کار از طریق مالیات‌های سنگین، کنترل تجارت، و انتقال مواد خام به بریتانیا انجام می‌شد. هند به عنوان یک منبع عظیم ثروت برای تأمین نیازهای صنعتی بریتانیا عمل می‌کرد.

برای سلطه ی کامل، تثبیت قدرت و همچنین رسیدن به اهداف

اهداف سیاسی و استعماری

اقتصادی باید اهداف سیاسی و فرهنگی را هم پیش میبرد:

اهداف فرهنگی و مذهبی

تبلیغ مسیحیت: برخی از مبلغان مذهبی بریتانیایی به دنبال تبلیغ مسیحیت در هند بودند. اگرچه این هدف هرگز به طور کامل محقق نشد، اما تأثیرات فرهنگی بریتانیا بر جامعه هند قابل توجه بود.

تغییر سیستم‌های آموزشی: بریتانیا سیستم‌های آموزشی غربی را در هند معرفی کرد تا یک طبقه متوسط تحصیل‌کرده ایجاد کند که وفادار به بریتانیا باشد.

گسترش امپراتوری قدرت نظامی ارتش خصوصی

بریتانیا به دنبال گسترش قلمرو خود و تبدیل شدن به یک امپراتوری جهانی می‌کرد. نیروهای نظامی داشت که از سربازان بود. کنترل هند، به عنوان هندی (سپوی‌ها) در خدمت هندی (سپوی‌ها) و افسران «جواهر تاج بریتانیا»، جایگاه بریتانیا بودند و به این کشور بریتانیایی تشکیل شده بود. این کشور را به عنوان یک کمک می‌کردند تا کنترل این ارتش برای سرکوب ابرقدرت جهانی تقویت خود را بر دیگر مناطق آسیا و شورش‌ها و گسترش قلمرو می‌کرد. آفریقا نیز گسترش دهد. شرکت استفاده می‌شد.

بریتانیا برای محقق ساختن این اهداف باید به ترفند های گوناگونی متوسل میشد که به چند مورد آن اشاره میکنیم:

۱. استفاده از اختلافات داخلی

تفرقه‌اندازی: بریتانیایی‌ها از اختلافات بین حکومت‌های محلی، جوامع مذهبی (هندوها و مسلمانان)، و گروه‌های قومی استفاده می‌کردند. آنها با حمایت از یک گروه علیه دیگری، کنترل خود را افزایش می‌دادند.

قراردادهای اتحاد: شرکت هند شرقی با حاکمان محلی قراردادهای اتحاد امضا می‌کرد. این قراردادهای اغلب به نفع بریتانیا بود و به شرکت اجازه می‌داد تا کنترل نظامی و اقتصادی مناطق را به دست بگیرد.

۲. نفوذ اقتصادی

کنترل تجارت: بریتانیا به تدریج کنترل تجارت هند را در دست گرفت. آنها با ایجاد انحصار بر تجارت کالاهای ارزشمند مانند پارچه، ادویه و ابریشم، اقتصاد هند را تحت سلطه خود درآوردند.

سیستم مالیاتی سنگین: بریتانیا سیستم‌های مالیاتی سنگینی را در هند اجرا کرد که فشار زیادی بر مردم محلی وارد می‌کرد. این مالیات‌ها برای تأمین هزینه‌های اداری و نظامی بریتانیا استفاده می‌شد.

۳. سیاست‌های اداری و قضایی

ایجاد سیستم‌های اداری: بریتانیا سیستم‌های اداری و قضایی جدیدی را در هند ایجاد کرد که به آنها اجازه می‌داد کنترل بهتری بر مناطق تحت نفوذ خود داشته باشند.

تقسیم و حکومت: بریتانیا از سیاست «تقسیم و حکومت» (Divide and Rule) استفاده می‌کرد. آنها با ایجاد تفرقه بین جوامع مختلف هند، مانع از اتحاد مردم علیه خود می‌شدند.

۴. فریب و نیرنگ

قراردادهای ناعادلانه: بریتانیا اغلب با حاکمان محلی قراردادهای ناعادلانه امضا می‌کرد که به نفع خودشان بود. برای مثال، در قراردادهای الحاق، حاکمان محلی مجبور می‌شدند کنترل قلمرو خود را به شرکت هند شرقی واگذار کنند.

استفاده از جاسوسان: بریتانیا از جاسوسان و خبرچین‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات درباره حکومت‌های محلی و برنامه‌ریزی برای تسلط بر آنها استفاده می‌کرد.

نیت اصلی بریتانیایی‌ها از ورود به هند و گسترش نفوذ خود در این شبه‌قاره، عمدتاً اقتصادی بود، اما به تدریج به اهداف سیاسی و استعماری نیز تبدیل شد. بریتانیایی‌ها با استفاده از ترفندهای هوشمندانه‌ی سیاسی، نظامی و اقتصادی، به تدریج کنترل هند را به دست گرفتند و این کشور غنی را غارت کردند و به دنبال آن باعث آسیب های فرهنگی و اقتصادی و فجایع انسانی شدند که هنوز هم قابل مشاهده است.

تاریخ به ما درس میدهد کسانی که از آن درس نگیرند محکوم به تکرار تاریخ اند.



از امامت تا ولایت

فاطمه فهیمی

دانشجوی ترم ۶ علوم آزمایشگاهی

به عبارت بهتر قانون شامل حق و تکلیف با هم است نه هر کدام جدا. لذا اینکه شما می گوئید مسلمان ذهن قانون اندیش دارد خواسته یا ناخواسته به حق طلب بودن او اقرار کرده اید!

اما! بیایید از جنبه دیگر به قضیه نگاه کنیم فرض کنیم اسلام فقط به فقه تاکید دارد و فقه هم فقط به معنای تکلیف است که در این صورت دو سوال مطرح می شود:

آنچه در مورد ذهن قانون گرا و قانون اندیش مسلمان گفته شد کاملاً درست است اتفاقاً مگر تمام مکاتب و تمدن ها به دنبال این نیستند که نظام ارتباطی صحیحی حاکم کنند که شامل قوانین و روحیه پیروی از قوانین باشد؟

پس در مرحله اول به گفته خود شما اسلام بیش از هر مدعی مکتب دیگری توانسته این امر را تحقق بخشد. اما چرا ذهن قانون اندیش با ذهن تکلیف اندیش برابر قرار گرفته است؟ اصلاً مگر قانون غیر از تعیین حد و حقوق و وظایف و تکالیف است؟

۱. مگر اسلام فقط فقه است مگر جهاد ندارد؟ مگر روحیه ظلم ستیزی ندارد؟ مگر سراسر تشویق مردم به گرفتن حق مظلوم از ظالم نیست؟ مگر قیام های عاشورایی که ایستادن در برابر حکام ظالم و جابر است ندارد؟ مگر همه اینها در حوزه حق طلبی نیست؟
۲. اصلاً قبل از حق طلبی چه موضوعی مطرح می شود؟ در جامعه چه چیزی تحت الشعاع قرار می گیرد که باعث می شود اگر فرد روحیه حق طلبی داشته باشد فضیلت باشد؟ آیا غیر از این است که هر کس تکلیف خود را بداند و عمل کند به طریق اولی حقوق دیگری را رعایت می کند؟.

ها در تمامی قرن های گذشته روحیه حق طلبی ندارد.

می گوئید جهان جدید آدمی را موجودی محق تعریف می کند، اولاً جهان جدید دقیقاً چه کسانی هستند؟ با چه فلسفه ای آدمی را فردی محق تعریف می کند؟ اصلاً معنای حق از دید جهان جدید چیست؟ از همه مهمتر این جهان جدید که شما می گوئید انسان را محق می داند دقیقاً کدام انسان را؟ همه را؟ یا انسان سفید پوست مو بور چشم رنگی غریبی را؟

چه طور می شود که اربابان زر و زور و قدرت می توانند به دار و ندار و ظرفیت ها و سرمایه های مملکتی چنگ ببندازند و همه را استعمار کنند؟ این انسان محق است؟ یا نتیجه تعالیم حق طلبی آنان است؟ و از طرفی انسان شرقی را در سرزمینش در خانه اش در کشورش بمباران می کنند. گویا تیر و تفنگ و تانک نیز حق طبیعی دیگران است.

دوماً ملاک ارزیابی انسان از دید شما چیست؟ قوانین مدون الهی بر اساس فطرت او؟ یا جهان جدید و مدرن و پست مدرن؟ ولو به اشتباه و عامل سقوط کرامات انسانی.

حال بیایید منصفانه بیاندیشیم! اساس تربیت جامعه باید بر اساس حق طلبی باشد یا تکلیف اندیشی؟ اگر همیشه بگوییم فلانی! حق تو فلان است، حق تو بهمان است آیا تمام جامعه درگیر نزاع نمی شوند؟ آیا قضاوت ها حق به جانب نمی شود؟



اگر ابتدا تکالیف و وظایف را مطرح کنیم و هر کس به آن پایبند باشد حقی از کسی ضایع نمیشود اما از آنجا که چنین مطلبی در جامعه آرمانی و ایده آل امکان پذیر است قطعاً روحیه حق طلبی باید نهادینه شود و خالی از لطف است اگر بگوییم اسلام با آن همه جنگاوری ها و رشادت ها و ظلم ستیزی

ختم نبوت و ولایت امامان شیعه



فرستادیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم حکم کنی. «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنها اولی است.

از آیات فوق برمی آید که پیامبر اکرم (ص) نسبت به مردم ولایت و حاکمیت دارد، پس با توجه به مطالب فوق وقتی که ثابت شد ولایت پیامبر اکرم (ص) در طول ولایت خدا بوده و این ولایت با مستندات عقلی و نقلی قابل اثبات می باشد، پس در این مورد حقی برای پیامبر اکرم (ص) به اثبات می رسد. پس با وجود ایشان، هر کسی در برابر او قرار بگیرد و سرپرستی و ولایت را از او دریغ دارد و یا خود را به جای پیامبر (ص)، صاحب ولایت بداند، متجاوز و غاصب به حق او شمرده می شود. حال می خواهد عادلانه باشد یا نباشد.

اما لام به ذکر است در طول تاریخ اگرچه حکومت غصب شده و در اختیار معصوم قرار نگرفته اما اگر حکومت عادلانه بوده امام معصوم به عدل حاکم رای داده است.

الهی نیست که سالها پیامبرانی را بفرستد برای هدایت انسان بعد به یکباره در عصری که بیش از هر زمان دیگری انسان نیازمند است او را به حال خود واگذارد؟

در واقع وظیفه امامان که خواص جامعه محسوب می شوند تولید و ابداع اصول دین نیست این مهم، جزء وظایف پیامبر هم نیست جز در مواقع خاص که شارع مقدس این اختیار را به پیامبر داده است. لذا امامان پس از او وظیفه تطبیق و تبیین مسائل روز جامعه را در چارچوب و با اصول ثابت دین دارند.

مهدویت:

ولایت و سرپرستی غالب پیامبران به طور عموم و پیامبر اسلام به طور خصوص، مورد توجه و قبول همه اندیشمندان اسلامی و نیز مورد قبول همه مسلمانان می باشد و در این مورد مخالفت های جدی و قابل توجهی، صورت نگرفته است. «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ...» ما این کتاب را به حق بر تو

غذیر، یکی از معتبر ترین وقایع تاریخ اسلام است که علمای اهل سنت و شیعه به صحت آن گواه می دهند و برای اثبات جانشینی حضرت امیر همین یک مورد کافیست!

چند آیه و حدیث را باید مرور کنیم:

آیه ولایت، آیه تطهیر، آیه اطاعت و حدیث جابر

از موارد ذکر شده بر می آید که پیامبر به دستور خدا، ائمه پس از خود را معرفی کرده و جای هیچ شک و تردیدی نگذاشته است.

ناظر به این آیات و احادیث به ادامه بحث می پردازیم:

ختم نبوت به این معنی است که بعد از حضرت محمد پیامبری برای آوردن کتاب آسمانی جدید و شریعت جدید یا برای تبلیغ ادیان گذشته نداریم نه اینکه امر هدایت نیز با ختم نبوت تمام می شود، به عبارت بهتر وحی تشریعی و تبلیغی تمام شده است.

حال مگر نسل بشر منقرض شده است؟ آیا این خلاف عدل و حکمت

که در آنها به نحوی به جانشینی و خلافت پیامبر اکرم (ص) اشاره شده است، نظیر احادیث وصایت، وراثت، منزلت، امارت، ولایت، هدایت، عصمت و مهم تر از همه آنها، حدیث غدیر خم به روشنی دلالت دارند که پیامبر اکرم (ص) خلیفه و جانشین بعد از خودش را به مردم معرفی کرده است.

وقتی جانشینان بعد از پیامبر معرفی شده آیا کسی که این حق را آنان بگیرد غاصب نیست؟

ولایت سیاسی امامان (علیهم السلام)

در مذهب شیعه جانشینان پیامبر اکرم از طرف خداوند تعیین خواهند شد و در واقع مسئله خلافت و جانشینی پیامبر اکرم به وضوح مطرح شده است؛ و خلفای بعد از او نیز از حضرت امیر تا حضرت قائم معین شده اند و نیز در مذهب شیعه، امامان (ع) از طرف خداوند تعیین می شوند و پیامبر اکرم (ص) تنها، وظیفه معرفی آنها به مردم را دارد.

همچنین احادیث گوناگونی در کتاب های حدیثی آمده

ولایت سیاسی فقیه

از دلایل ختم نبوت همین امر است که انسان می تواند کامل ترین برنامه را دریافت، حفظ و منتقل کند اما به این معنی نیست که بی نیاز از هدایت می شود، چرا که امروزه می بینیم علی رغم تکامل فردی، ارتباطات جمعی دچار چالش هایی است که هنوز نیاز به الگو برداری، پیروی و مراجعه به مراجع دارد. در واقع اینکه عقل انسان رو به کمال می رود دلیل نمی شود که وحی به طور کامل منتفی شود.

سخن آخر اینکه چرا زمینه سازی برای ظهور را با حکومتی که مال مردم باشد در تعارض می بینید؟

برای ظهور انسان ها باید پرورش یابند، پیشرفت کنند، عمران و آبادی ایجاد کنند در واقع کشف استعداد ها و توانایی های افراد می شود بذری که در دوران غیبت کاشته می شود و بهره برداری از آن برای دوران ظهور امام عصر (عج) می باشد.

می توانند حاکمیت مردم در عصر غیبت را عهده دار شوند. محروم کردن آنها از این حق غصب حق آنها بوده و کسی که این حق را غصب نموده و عهده دار حاکمیت و سرپرستی مردم شده است نیز طبعاً غاصب خوانده می شود.

در رابطه با نظریه ی آقای اقبال لازم به ذکر است پایان نبوت، پایان ارتباط عالم ملکوت با زمین نیست چرا که پس از پیامبر نمونه هایی را می بینیم، مثل نازل شدن حضرت جبرئیل به حضرت صدیقه طاهره (س).

عقل و وحی همیشه در کنار یکدیگر برای هدایت بشر شناخته شده است اینکه در هر مقطعی از زمان وحی به چه اندازه و شکل و شیوه ای بروز پیدا کند، به میزان تکامل عقل انسان بر میگردد، درست است که انسان در طول زمان رشد پیدا می کند و لذا یکی

در باب ولایت سیاسی فقیه نیز همین حرف تکرار می شود، یعنی وقتی با دلایل عقلی و نقلی اثبات شد که جامعه اسلامی در عصر غیبت به حال خود واگذار نشده و امام زمان کسانی را به عنوان نماینده خود و والی مسلمانان معرفی کرده است، طبیعتاً حق ولایت و سرپرستی مخصوص آنها بوده و هیچ کس دیگری و با هیچ معیار دیگری، با آنها در این حق شریک نخواهد بود. این افراد چنان که از دلایل عقلی و نقلی برمی آید فقها هستند؛ زیرا حکومتی که در عصر غیبت تشکیل می شود حتی الامکان باید بشتین شباهت را به حکومت معصوم داشته باشد و از آنجا که این مهم جز به مدد کسی که خود بیشترین شباهت به معصوم در بُعد علم (اسلام شناسی) و عمل را دارا می باشد ممکن نیست و تنها فقها دارای چنین خصوصیتی هستند. بنابراین تنها فقها



سنتی خطرناک با عوارضی فراموش نشدنی

فاطمه حیدری

دانشجوی ترم ۶ علوم آزمایشگاهی



قمه‌زنی به عنوان یکی از آیین‌های عزاداری محرم، با هدف ابراز همدردی و اشتراک در غم و مصائب امام حسین (ع) و شهدای کربلا انجام می‌شود. شرکت‌کنندگان در آیین، با ضربه زدن به خود (معمولاً با زنجیر یا قمه)، می‌خواهند وفاداری و فداکاری خود را نسبت به امام حسین (ع) و آرمان‌های او نشان دهند. این عمل به عنوان نوعی «ایثار نمادین» در نظر گرفته می‌شود که نشان‌دهنده آمادگی برای جان‌فشانی در راه دین و حق است.

اما باورهای غلط درباره قمه‌زنی در میان برخی افراد وجود دارد که باعث تداوم این آیین می‌شود. این باورها معمولاً ریشه در سنت‌ها، فرهنگ محلی و برداشت‌های نادرست از مفاهیم دینی دارند. در ادامه به برخی از این باورهای نادرست اشاره می‌کنیم:

۴. قمه‌زنی نشان‌دهنده شجاعت و قدرت ایمان است
بدین معنا که تحمل درد قمه‌زنی نشان‌دهنده شجاعت و قدرت ایمان فرد است.

شجاعت واقعی در اسلام، مقاومت در برابر ظلم، دفاع از حق و کمک به دیگران است، نه آسیب زدن به خود. امام حسین (ع) برای دفاع از حق و عدالت قیام کرد، نه برای ترویج خودآزاری.

۵. قمه‌زنی باعث کاهش غم و اندوه می‌شود

برخی فکر می‌کنند که با قمه‌زنی، غم و اندوه خود را کاهش می‌دهند یا با امام حسین (ع) همدردی می‌کنند. همدردی با امام حسین (ع) از طریق درک پیام قیام عاشورا، عمل به ارزش‌های دینی و کمک به دیگران ممکن است. آسیب زدن به خود نه تنها غم را کاهش نمی‌دهد، بلکه ممکن است به سلامت روانی و جسمی فرد آسیب برساند.



۳. قمه‌زنی یک عمل مذهبی واجب یا مستحب است

عده‌ای فکر می‌کنند قمه‌زنی بخشی از دستورات دینی است یا انجام آن ثواب زیادی دارد.

قمه‌زنی نه تنها واجب یا مستحب نیست، بلکه بسیاری از مراجع دینی آن را حرام یا مکروه می‌دانند. اسلام به حفظ سلامتی و جان انسان‌ها اهمیت زیادی می‌دهد و هر عملی که به بدن آسیب برساند، مورد تأیید نیست.

۱. قمه‌زنی نشان‌دهنده وفاداری بیشتر به امام حسین (ع) است
برخی فکر می‌کنند هرچه درد و رنج بیشتری در عزاداری تحمل کنند، به امام حسین (ع) نزدیک‌تر می‌شوند و وفاداری بیشتری نشان می‌دهند.

اما در اسلام، وفاداری و عشق به اهل بیت (ع) از طریق عمل به دستورات دینی، اخلاق و کمک به دیگران نشان داده می‌شود، نه با آسیب زدن به خود. امام حسین (ع) برای احیای ارزش‌های انسانی و دینی قیام کرد، نه برای اینکه مردم خود را آزار دهند.

۲. قمه‌زنی باعث بخشش گناهان می‌شود

تعدادی از افراد معتقدند که با قمه‌زنی و تحمل درد، گناهانشان بخشیده می‌شود. لکن در اسلام، بخشش گناهان تنها با توبه واقعی، انجام کارهای نیک و رضایت خداوند ممکن است. آسیب زدن به بدن نه تنها گناهان را پاک نمی‌کند، بلکه ممکن است به دلیل آسیب به سلامتی، عملی نادرست باشد.

۶. قمه‌زنی یک سنت قدیمی و غیرقابل تغییر است

عده ای معتقدند قمه‌زنی یک سنت قدیمی است و تغییر آن به معنای بی‌احترامی به فرهنگ و مذهب است. بسیاری از سنت‌های قدیمی با پیشرفت علم و درک بهتر از دین، اصلاح یا کنار گذاشته می‌شوند. اسلام همواره بر تعقل و حفظ سلامتی تأکید دارد، و سنت‌هایی که با این اصول در تضاد باشند، نیاز به بازنگری دارند.

۷. قمه‌زنی باعث جلب توجه خداوند و اهل بیت (ع) می‌شود

تفکر بعضی افراد اینست که با قمه‌زنی، توجه خداوند و اهل بیت (ع) را به خود جلب می‌کنند اما در اسلام، جلب رضایت خداوند و اهل بیت (ع) از طریق اعمال نیک، اخلاص و خدمت به خلق خدا ممکن است، نه با اعمالی که به بدن آسیب می‌رسانند.

قمه‌زنی، برخلاف باورهای غلطی که در برخی جوامع وجود دارد، معایب متعددی هم برای فرد و هم برای اسلام به همراه دارد. این معایب شامل آسیب‌های جسمی، روانی، اجتماعی و حتی دینی می‌شوند. در ادامه به مهم‌ترین این معایب اشاره می‌کنیم:

معایب قمه زنی برای فرد

۱. آسیب‌های جسمی شدید

قمه‌زنی می‌تواند باعث خونریزی‌های شدید، ایجاد زخم‌های عمیق و حتی آسیب به اندام‌های حیاتی مانند سر، ستون فقرات و اعصاب شود. خطر عفونت‌های جدی به دلیل استفاده از ابزارهای غیراستریل نیز وجود دارد. در برخی موارد، قمه‌زنی منجر به مرگ فرد شده است.

۲. آسیب‌های روانی

تحمل درد شدید و دیدن صحنه‌های خشونت‌آمیز می‌تواند باعث ایجاد اختلالات روانی مانند اضطراب، افسردگی یا حتی اختلال استرس پس از سانحه شود. (PTSD)

۳. عادی‌سازی خشونت

قمه‌زنی ممکن است باعث شود افراد، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، خشونت را به عنوان یک رفتار قابل قبول بپذیرند. این موضوع می‌تواند در بلندمدت به رفتارهای خشونت‌آمیز در جامعه دامن بزند.

معایب قمه زنی برای اسلام

۱. تخریب چهره اسلام

قمه‌زنی و دیگر آیین‌های خشونت‌آمیز، چهره اسلام را به عنوان یک دین خشن و غیرمنطقی نشان می‌دهند. این موضوع ممکن است باعث سوءتفاهم در میان غیرمسلمانان یا حتی مسلمانان دیگر شود و آن‌ها را از اسلام دور کند.

۲. مخالفت با آموزه‌های دینی

اسلام به حفظ سلامتی انسان‌ها تأکید زیادی دارد. آیاتی مانند «وَلَا تُقْفُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) به معنای «خود را به دست خود به هلاکت نیندازید»، به وضوح هرگونه آسیب به بدن را منع می‌کنند. قمه‌زنی با این آموزه‌ها در تضاد است.

۳. تضعیف پیام واقعی عاشورا

قیام امام حسین (ع) برای دفاع از حق، عدالت و مقابله با ظلم بود. قمه‌زنی و دیگر آیین‌های خودآزاری، ممکن است باعث شود مردم از پیام اصلی عاشورا دور شوند و به جای توجه به ارزش‌هایی مانند ایستادگی در برابر ظلم، بر درد و رنج تمرکز کنند.

قمه‌زنی علاوه بر آسیب‌های جسمی و روانی که برای فرد به همراه دارد، به چهره اسلام و جامعه مسلمانان نیز آسیب می‌زند. این عمل با آموزه‌های دینی که بر حفظ سلامتی و جان انسان‌ها تأکید دارند، در تضاد است و ممکن است باعث سوءتفاهم درباره اسلام شود. به جای قمه‌زنی، روش‌های سالم‌تر و معنوی‌تری برای عزاداری امام حسین (ع) وجود دارد، مانند سینه‌زنی ملایم، نوحه‌خوانی، مداحی و کمک به نیازمندان، که هم مورد تأیید مراجع دینی هستند و هم به سلامت افراد و جامعه آسیب نمی‌زنند.

بازی تاج و تخت

محیا عرفانیان

دانشجوی ترم ۷ علوم تغذیه

چراغ قوه ای برمیدارم ، در کوچه پس کوچه های تاریک و خفته ی تاریخ قدم برمیدارم . در سرزمینی که به رایحه ها و عطر هایش زبان زد است.

سنگ فرش ها، ایفل ، عطرها ، صدای خنده ها و شعار جمهوری خواه : «آزادی، برابری ، برادری » چشمانم را میگیرد و میفریبد . شبانه از کنار رود سن میگذرم . سنگین است . گویی صدای ارواح سپرده شده به رود ، به گوش میرسد اما این زرق و برق ها نمیگذارد بشنوم . دقیق میشوم انگار ندایی پرشگر میگوید: آیا گمان میکنی در بطن این کوچه ها ، باز هم بوی عطر به مشامت خواهد رسید؟ آیا تو از قطعه های دفن شده ی تاریخ خبر داری؟

پرتاب میشوم میان هیاهوهای بین کاتولیک و پروتستان ها . پروتستان ها به مرور زمان در فرانسه پخش شده اند و توانستند به قدرت برسند . با افزایش قدرتش، اختلاف و تنشهای مذهبی در فرانسه هم شدت گرفت . و به نوعی جنگ تبدیل شد و تا مدت ها نه تنها فرانسه بلکه اروپا را در خشم و آتش فرو برد . سال ۱۵۷۲ میلادی است ، ۲۴ اوت ، کاخ آدین بندی شده . شاه هنری دوناوار ، از گروه پروتستان ها ، لباس دامادی به تن کرده است . و مارگارت ، خواهرپادشاه فرانسه شارل نهم ، به عنوان یک کاتولیک لباس عروس پوشیده است . مادرش ، ملکه کاترین مدیچی نقشه کامل یک عروسی را کشیده . یک عروسی خاص و به یاد ماندنی در دل تاریخ!

با به اوج رسیدن اختلافات کاتولیک ها و پروتستان ها، ملکه نسبت به پادشاهی و قلمرو خود احساس خطر کرد . او که زنی کاتولیک و بسیار زیرک بود ، با استفاده از خامی پسرش، شارل نهم، قدرت واقعی مدیریت و حکومت فرانسه رو در دست گرفت و نقشه صلح را برنامه ریزی کرد . صلحی که با یک ازدواج میان دو گروه شکل میگرفت.

همه هماهنگی ها صورت گرفته بود و مهمان ها دعوت شده بودند . بساط جشن و شیرینی و نوشیدنی به پا بود . تا نیمه های شب ، بیشتر مهمان ها آمده بودند . تعداد زیادی از پروتستان ها به عروسی دعوت شده بودند .

در نیمه شب زمانی که کلاغ ها قار قار می کردند و خیابان های سنگ فرش شده پاریس خالی از جمعیت بوده و سکوتی عجیب همه جا را فرا گرفته بود، به فرمان ملکه کاترین

مدیچی ناقوس کلیسای جامع به صدا درآمد. مردم نگران از خواب بلند شدند. برخی گمان کردند ناقوس به میمنت ازدواج هانری و پرنسس مارگارت به صدا درآمده است؛ غافل از اینکه این نوای مرگ بود که دمیده می‌شد.

با به صدا در آمدن ناقوس، سرباز ها با شعار: «به نام پادشاه بکشید ، «میان جمعیت و مهمانان هجوم بردند. و شروع به کشتن مهمانان و پروتستان ها کردند به گونه ای که طی مدت یک ساعت عروسی به کشتارگاه و پاریس به قتلگاه تبدیل شد.

ویل دورانت معتقد است در این کشتار هر کسی که میل سرکوب شده ای داشته، آن را به صورت غریزه قتل و شکنجه بروز داده است.

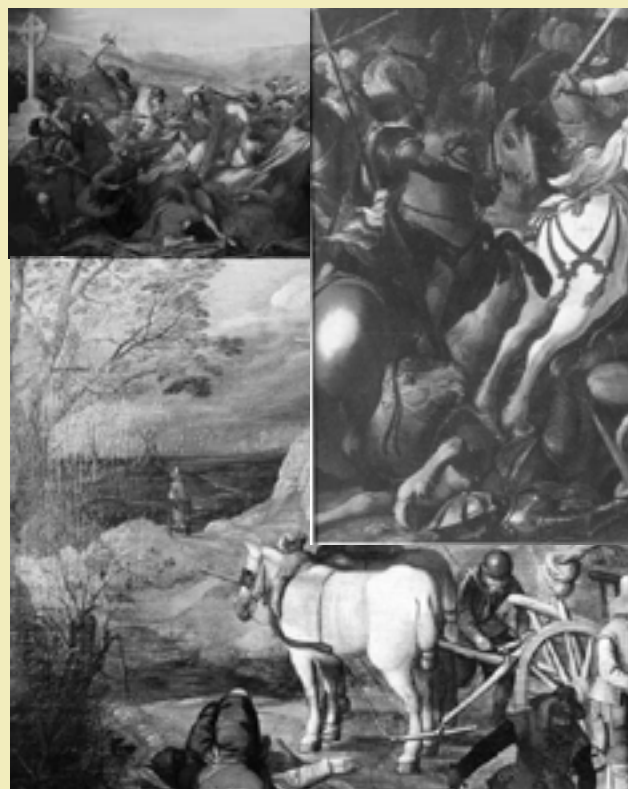
انگار در این روز کشتار مجاز شده و هیچ گونه گناه و منعی نداشته است و این آزادی غنیمتی شده بود برای تصفیه کردن حساب های شخصی و هر کس که کینه ای از همسایه اش یا کسی به دل داشت آن را با کشتنش خالی می‌کرد.

برخی سربازان هم برادری را تمام کردند و فقط به قصد لذت بردن شروع به کشتن مردم کردند. به نحوی که سربازی شکم یک زن حامله را شکافت و سر جنینش را به زمین کوبید تا اثبات کند همه در کشته شدن برابرند. مجلس عروسی به خون کشیده شد و طی یک روز پاریس مهمان ۵۰۰۰ جنازه از زن ها و مرد ها شده بود و فرانسه قتلگاه ۳۰ هزار انسان .

در حالیکه طی کشتار سن بارتلمی ، فرانسه پروتستان ها را سرکوب کرد اما سال ها بعد ، وقتیکه پادشاه آلمان فعالیت پروتستان های آلمانی را محدود کرد و اجازه فعالیت را از آن ها گرفت و شورش هایی در آلمان شکل گرفت ؛ فرانسه از جمله کشورهایی بود که در این میان دخالت کرد و از حقوق پروتستان های آلمانی حمایت کرد. نتیجه حمایت فرانسه از پروتستان ها ، تضعیف رقیبش بود. به این ترتیب امپراطوری آلمان فرو ریخت و با تصویب صلح وستفالی و تقسیم اراضی و مستعمرات آلمان ، مرز های اروپا تغییر کرد.

سالها اروپا به اسم مذهب درگیر جنگ هایی میان کاتولیک ها و پروتستان ها بود. جنگهایی که با بیش از ۸ میلیون تلفات یکی از طولانی ترین و وحشیانه ترین جنگ ها در تاریخ بشر به حساب می آیند. جنگ هایی که یک عروسی را به سلاخ خانه تبدیل کرد و سنگ فرش و دیواره ی خیابان ها را به رنگ خون درآورد و آنچه که به مشام میرسید تنها و تنها بوی خون بود. با این حال با پیشروی جنگها ، تمرکز بر روی مذهب کمتر شد و چهره واقعی انگیزه های درونی جنگها نمایان تر شد : «اینکه کدام گروه و چه کسی اروپا ، مستعمرات و سرزمین های دیگر را اداره کند؟»

گویی تمام این جنگ ها و اختلافات ، تنها صفحه شطرنجی بود میان رقبا و بازی بر سر تاج و تخت .
چشمانم را باز میکنم. چه دل پری دارد این رود...



درست یا غلط مسئله این است!

فاطمه حسینی ارهانی

دانشجوی ترم ۸ رادیولوژی

درست یا غلط مسئله این است زندگی کردن در قرن ۲۱ یعنی، پیشرفت علم و تکنولوژی از سرعت نور گاهی بیشتر است، یعنی وقتی دسترسی به اینترنت دارید در واقع یک سیل وسیع از داده‌ها به سوی شما و مهم‌ترین کار در برابر این سیل این است که بتوانیم داده‌های درست را از غلط تشخیص بدهیم. هدف ما از این گزاره همین موضوع است بررسی مسائل غلطی که ابتدا به راحتی قبول شدند.

ابتدا با جمله اینا همش کار خودشونه، شروع شد. اواسط راه توصیه‌های بی‌منطق و بدون پشتوانه و در انتها با حواشی واکسیناسیون که این‌ها روبات هستند شما را تحت کنترل قرار می‌دهند تموم شد.



با اینکه چند سالی از کرونا می‌گذرد اما همچنان اتفاقات کرونا یادمان است شیوع سریع و ناشناخته بودن ویروس کرونا سبب شد بستر مناسبی برای گرفتن بازدید بالا و یا رونق گرفتن کسب و کارهای شخصی شکل گرفته شود. در



جز این دوران، در تاریخ بشر دفعات دیگری هم بود که یک سری داده‌ها بین مردم رواج بالایی می‌گرفت و این دست از اطلاعات جانبی و این گونه پراکنده شدنشان هم وجود داشت.

اما اهمیت عمل اینجاست که بتوانیم، تشخیص بدهیم چه چیزی درست است و چه چیزی غلط!

گاهی هدف از رواج چنین مسائلی در جامعه کاملاً هدفمند بوده و برای شخص یا اشخاص یا نهادی مزیت‌هایی در پیش داشتند مثلاً در قرن بیستم در تبلیغات سیگار آن را به عنوان یک مزیت برای سلامتی معرفی می‌کردند! و پشت این قضیه چه کسی بود آفرین شرکت‌های دخانیات!!

هدف همیشه پول نبوده و گاهی مطالعات کم و بی‌پایه و اساس باعث ترویج یک عمل شد مثلاً استفاده از آرسنیک برای درمان سیفلیس یا استفاده از Frontal lobotomies راهی برای درمان بیماری‌های روانی و یا استفاده از پرتو درمانی برای بهبودی آکنه در اوایل قرن بیستم و... این روش‌ها استفاده می‌شدند ه نه تنها هیچ سودی نداشتند بلکه حتی آسیب هم وارد می‌کردند!



در کنار ناآگاهی‌ها، منافع شخصی و مطالعات کم می‌بایستی اهداف سیاسی را هم گنجانند مثلاً در اوایل قرن بیستم ترویج اصلاح نژادی به عنوان یک نظریه علمی ارائه شد که حاصل آن عقیم‌سازی شمار زیادی از بی‌خانمانان آمریکایی که اکثراً از گروه مهاجران بودند شد.

هدف همیشه پول نبوده و گاهی مطالعات کم و بی‌پایه و اساس باعث ترویج یک عمل شد مثلاً استفاده از آرسنیک برای درمان سیفلیس یا استفاده از Frontal lobotomies راهی برای درمان بیماری‌های



اما چطور باید در میان این همه اطلاعات راه درست را از غلط تشخیص داد در واقع بهترین راه برای مقابله با این غول بزرگ رسانه افزایش آگاهی‌مان یا در واقع افزایش سواد رسانه‌ایمان است.

اما برای تعیین اینکه آیا اطلاعات از نظر علمی قابل اعتماد هستند، می‌توانید مراحل زیر را دنبال کنید: منبع را بررسی کنید: به دنبال منابع معتبر مانند مجلات دانشگاهی، گزارش‌های دولتی و سازمان‌های خبری معتبر باشید.

● ارزیابی اعتبار نویسنده: بررسی کنید که آیا نویسنده در این زمینه متخصص است و آیا سابقه انتشار اطلاعات موثق را دارد یا خیر.

● به دنبال بررسی همتا باشید: مقالات بررسی شده توسط سایر متخصصان این حوزه بررسی شده‌اند که باعث افزایش اعتبار آنها می‌شود.

● سوگیری را بررسی کنید: از سوگیری‌ها و تضاد منافع احتمالی که ممکن است بر اطلاعات تأثیر بگذارد آگاه باشید.

● تأیید صحت اطلاعات: برای اطمینان از صحت، اطلاعات را با سایر منابع معتبر بررسی کنید.

● تاریخ را در نظر بگیرید: مطمئن شوید که اطلاعات به روز هستند و قدیمی نیستند.

● روش‌شناسی را ارزیابی کنید: بررسی کنید که آیا روش تحقیق صحیح است و آیا نتیجه‌گیری توسط داده‌ها پشتیبانی می‌شود.

● استنادات را بررسی کنید: به دنبال استنادها و ارجاعات مناسب برای حمایت از ادعاهای مطرح شده در مقاله باشید.

البته در نظر بگیرید این روش‌ها برای بررسی اطلاعاتی که در حیطه پزشکی نباشند هم کارایی دارد. از زمانی که توانایی درک مطالب را پیدا می‌کنید در مسیری قدم می‌گذارید که باید چراغ قوه‌ی تعیین کننده درست و غلط، در جیب‌تان باشد تا بی‌راهه نروید!